



۴ پیشنهاد برای جلوگیری از تکرار فاجعه

حزب اتحاد ملت در پیامی فاجعه معدن طیس را تسلیمت گفت و نوشت: «این اولین بار نیست که کارگران زحمتکش کشور در محیط کار ناامن طعمه‌ی حوادث ناگوار می‌شوند و اگر فکری عاجل و جدی برای ایمنی محیط کار کارگران اندیشیده نشود، تکرار این گونه پیشامدهای ناگوار در آینده نیز دور از انتظار نیست.» در ادامه این پیام آمده است: «فجایعی مانند انفجار معدن طیس در کشورهایی که به آینده‌ی خود می‌اندیشند و کارگران را ستون سازنده‌ی این آینده می‌دانند، موجب بازنگری قوانین، نحوه‌ی نظارت‌ها، و چگونگی بهره‌برداری از معادن یا کار در کارگاه‌ها و در صورت لزوم ایجاد تغییرات گسترده در آن‌ها می‌شود، اما در کشور ما بارها چنین حوادثی رخ داده است، بدون این که بازنگری و تغییر در سیاست‌ها رخ دهد. بی‌توجهی نسبت به تهدیدی که بر زندگی روزمره‌ی کارگران زحمتکش سایه انداخته است، علاوه بر ایجاد ناامیدی در این ستون‌های اقتصاد کشور، موجب ایجاد اختلال در روال‌ها و فرآیندهای اقتصادی می‌شود. توسعه کشور در گرو ایجاد محیط مناسب برای سرمایه و نیروی کار است، همان‌طور که آماده کردن فضای کسب‌وکار امن برای صاحبان سرمایه و کارفرمایان ضرورت دارد، فراهم کردن فضای کار ایمن و سالم برای کارگران نیز از اهمیت فوق‌العاده برخوردار است.»

در بخش دیگر این پیام چند پیشنهاد از سوی حزب اتحاد ملت مطرح شده و آمده است: «۱- به‌روزرسانی قوانین ایمنی کار و فرایند اجرا و نظارت بر اجرای آن‌ها؛ یکی از دلایل بالا بودن مخاطرات فعالیت در محیط‌های کاری ایران به‌روز نبودن قوانین ایمنی کار، فرایند اجرای این قوانین و نحوه‌ی نظارت بر اجرای آن‌ها است. به‌روزرسانی مستمر این موارد با استفاده از تجربیات جهانی ضرورت فوری دارد. آموزش پیوسته کارشناسان ضابط و ناظر ایمنی در کارگاه‌ها و ستادهای مرکزی ذیربط ضامن اثربخشی این قوانین در ایجاد محیط کار ایمن است. ۲- تقویت سندی‌کاها و تشکل‌های کارگری؛ اعمال و اجرای درست و کامل قانون قبل از هر چیز نتیجه‌ی توازن قواست. اگر چه مسئولیت نظارت بر حسن اجرای هر قانونی از جمله قوانین و مقررات ایمنی کار، پیش از همه متوجه حکومت است، اما حضور قدرتمند نهادهای تشکل‌های مستقل کارگری به‌عنوان نمایندگان ذینفعان اصلی، کارآمدی نظارت بر حسن اجرا را بسیار بالا می‌برد. متأسفانه صدای کارگران عزیز پژواک در خوری در نهادهای حاکمیتی و جامعه‌ی مدنی ندارد. چه بسیار مواردی که همواره از سوی کارگران و نمایندگان شان تذکر داده می‌شود اما مورد رسیدگی قرار نمی‌گیرد. تقویت تشکل‌ها و سندی‌کاهای کارگری به بلندتر شدن صدای کارگران و بالابردن حساسیت حاکمیت و جامعه نسبت به خواسته‌های بحق آنان منجر می‌شود و از تکرار اتفاقات مشابه جلوگیری می‌کند. ۳- به‌روز کردن فناوری‌های بهره‌برداری؛ بخش مهمی از حوادث و تلفات ناشی از آن به دلیل قدیمی بودن فناوری‌هایی است که در کارگاه‌ها و معادن مورد استفاده قرار می‌گیرد. یکی از مهم‌ترین دلایل اهتمام نوزیسن پیمان‌کاران و کارفرمایان معادن به روزآمد کردن پروتکل‌های ایمنی کار و بهره‌مندی از تجهیزات و فناوری‌های روزآمد برای ایمن‌سازی محیط کار، حاکمیت اقتصاد دستوری و نظام قیمت‌گذاری آمرانه و نیز عدم دسترسی، سهولت به فناوری‌های روز به سبب وجود تحریم‌هاست. همکاری دولت و بخش خصوصی ممکن است تا حد زیادی این نقیصه را جبران کند. دولت در این زمینه باید سیاست‌صنعتی مشخصی داشته‌باشد و بخش خصوصی را به سمت استفاده از فناوری‌های جدید، کارآمد و امن تر هدایت کند. ۴- بازنگری در شرایط واگذاری؛ مهم‌ترین شرط واگذاری معادن در کشور «اهلیت» اعلام شده است. باید توجه داشت که اهلیت به «توانایی در اداره و سودآوری» محدود نمی‌شود. ایجاد یک فضای امن و حراست از حقوق کارگران هم‌بخشی از اهلیت کارفرمایان است. لازم است دولت در قراردادهای واگذاری، سابقه‌ی کارفرمایان در رعایت استانداردهای ایمنی کار را هم‌مورد توجه قرار دهد و در یک نظام شفاف برای کارفرمایانی که این استانداردها را رعایت کرده‌اند و یا ارتقا داده‌اند امتیاز مثبت قابل شود برای کارفرمایانی که در این زمینه کارنامه‌ی مناسبی ندارند، امتیاز منفی در نظر بگیرد.» در پایان نیز تصریح شده است: «از دولت و نهادهای ذی‌ربط می‌خواهیم در اسرع وقت گزارش شفافی از دلایل وقوع این فاجعه و مسببات آن ارائه دهند و برنامه‌های جدی و اصولی خود را برای حل مشکل ناامنی محیط کار اعلام و با کمک جامعه‌ی کارگری به اجرای این برنامه‌ها مبادرت کنند.»

شش‌ب‌گ‌ن‌د‌ ت‌غ‌ی‌ی‌ر

بررسی پیامدهای تاخیر در انتصاب مدیران میانی دولت چهاردهم و آثار انتصاب‌های متأثر از فشارهای مجلس و گروه‌های سیاسی



فرهاد فخرآبادی

خبرنگار گروه سیاسی

«ما دو راه پیش رو داریم. اول ادامه راهی است که ما را به اینجا رسانده است و دوم تغییر و اصلاح مسیر گذشته.» این جمله‌ای است که پزشک‌های در قامت یک کاندیدای انتخاباتی پیش از برگزاری اولین دور از انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۲ بیان کرد؛ انتخاباتی که از دل آن پس از دو دور رقابت و در نبرد ادامه وضع موجود و تغییر، ۱۶ میلیون ایرانی به تغییر رای داده تا نام مسعود پزشکیان به‌عنوان نهمین رئیس‌جمهور تاریخ ایران اعلام شود و او با دریافت حکم مأموریت از آن ۱۶ میلیون نفر، برای تغییر راهی پاستور شود. حالا نزدیک به دو ماه است که پزشک‌های به صورت رسمی کارش را به‌عنوان رئیس‌جمهوری ایران آغاز کرده و بیش از یک ماه است که کابینه او با وزاری که مدنظر داشته شروع به فعالیت کرده است و وزرا برنامه‌های خود را برای تحقق اهدافی که رئیس‌جمهوری جدید ایران اعلام کرده، استانت زده‌اند و طبیعتاً برای رسیدن به این اهداف، باید افرادی را کنار خود داشته باشند که همراه آنها بوده و در همان مسیر گام بردارند.

نقشه راه صحیح است

یکی از موضوعاتی که مسعود پزشکیان در زمان دو دور انتخابات ریاست‌جمهوری بارها به آن اشاره کرده بود، این بود که باید به جای نوشتن برنامه و قانون، به برنامه‌هایی مراجعه کرد که تا به الان نوشته شده ولی به خوبی اجرا نشده است: «ما قرار نیست برنامه جدید بنویسیم و سیاست جدیدی اجرا و مسیر را عوض کنیم؛ اگر راه مناسب نباشد

حشمت‌الله فلاح‌پیشه استاد دانشگاه و نماینده ادوار مجلس

عدم تغییر مردم را ناامید می‌کند

روند تغییر مدیران میانی در دولت مسعود پزشکیان هر چند آغاز شده و در حال انجام است اما به نظر می‌رسد سرعت معرفی مدیران جدید چندان زیاد نیست. به عبارت واضح‌تر نوعی بلاتکلیفی درباره برخی حوزه‌ها وجود دارد و هنوز مشخص نیست که تکلیف آن صندلی چه خواهد شد. حشمت‌الله فلاح‌پیشه، عضو هیئت علمی علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی که سابقه نمایندگی مجلس و ریاست بر کمیسیون امنیت ملی را دارد، در گفت‌وگو با هم‌میهن معتقد است چنانچه مدیران دولت گذشته به کار خود ادامه دهند، پیام تغییریه که مردم به خاطر آن به پزشک‌های رای دادند معنای خود را از دست خواهد داد و نوعی ناامیدی جای آن را می‌گیرد. او اعتقاد دارد که مسعود پزشکیان تا پایان ماه جاری باید تکلیف مدیران رده‌میانی را مشخص کرده و به فکر اصلاحات سه‌گانه خود باشد.

بیش از یک ماه از آغاز به کار وزرای دولت چهاردهم گذشته است ولی هنوز بخشی از مدیران لایه میانی در دولت قبل به کارشان ادامه می‌دهند. این عدم تعیین تکلیف مدیران لایه‌های میانی چه پیامدها و آسیب‌هایی خواهد داشت؟

من اعتقادم بر این است که نوعی بلاتکلیفی مدیریتی که در کشور شکل گرفته است، تبعه‌ای از تبعات سیاستی به نام وفاق ملی بود که به آقای پزشک‌های تحمیل شد، یعنی وفاق ملی اسم آن چیزی بود که آقای پزشک‌های پس از کلی تلاش برای شکل‌دهی به یک دولت پیروز انجام داد و آن چیزی که ما الان می‌بینیم ادامه همان موضوع است و شما می‌بینید که در خیلی از وزارت‌خانه‌هایی که بیشترین و پرتعدادترین پرونده مدیریتی در سطح کشور را دارند، عملاً افرادی به مدیریت رسیده‌اند که جزئی از ستاد آقای پزشک‌های نبودند و لذا عملاً حلقه اتصال ستادهای انتخاباتی آقای پزشک‌های با تیم مدیریتی ایشان در دولت تا حد زیادی قطع شد و به نظر من اعضای ستاد آقای پزشک‌های و یا بخشی از افرادی که برای پیروزی ایشان

باید دوباره کارشناسی مجدد صورت بگیرد، اما اگر راه درست باشد لزومی به برنامه دیگر نیست.» در همین راستا بود که او بارها در سخنان خود در چند وقت اخیر به این موضوع اشاره کرد. برای مثال پنجم شهریور در مراسم معارفه وزیر راه گفته بود: «با روش‌های فعلی قطعاً موفق نخواهیم شد به این هدف برسیم و نیازمند تغییر اساسی در روش‌ها هستیم. بنده به عنوان یک ایرانی دوست دارم کشورم در دنیا بهترین باشد و مردم کشورم از بهترین امکانات بهره‌مند باشند، لذا برای تحقق این هدف هر آنچه که در توان داریم به کار خواهیم بست.»

همان روز در مراسم معارفه وزیر اقتصاد گفت: «ما معتقدیم که هیچ مشکلی در دنیا وجود ندارد که راه حل برون‌رفت از آن وجود نداشته باشد و اساساً مشکل کشورهای در حال توسعه یا توسعه‌نیافته نیز نبود راه حل نیست، بلکه عدم استفاده از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های مدیران آگاه و برخوردار از علم و دانش برای عملیاتی کردن این راه‌حل‌ها است.» جمله‌هایی که نشان می‌دهد مسعود پزشکیان اعتقاد کاملی دارد که ایراد عدم توسعه کشور اجرای برنامه‌هاست و باید فکری به حال حوزه اجرا و مدیریت کشور کرد.

همانطور که مورد اشاره قرار گرفت، مسعود پزشکیان اعتقاد دارد نقشه راهی که ترسیم شده، نقشه صحیحی است اما وضعیت نزدیکی به هدف و انحراف از هدف چگونه است؟ و چرا برخی مدعی هستند دولت با توانمندی لازم وارد نشده است. شاید یکی از عوامل آن را بتوان در حوزه اجرا و افرادی دید که قرار بوده آن نقشه را به اجرا برسانند. چنانچه ششم شهریور در مراسم معارفه وزیر بهداشت گفته بود: «حرف درست را یک‌بار باید زد، قرار نیست دائم راه عوض شود و مسیرهایی را دنبال کنیم که غلط است.» پس عادی و طبیعی است که برای قرار گرفتن در نقشه‌ای که به درستی طراحی شده، نیاز به تغییر و پایان حضور مسببان



وضعیت کنونی و آنها که توانایی حضور در مسیر را ندارند، قطعی است و باید افرادی وارد کار شوند که توانایی اجرای صحیح نقشه راه را داشته باشند.

تغییرات حتمی، سرعت‌کند

با آنچه که مسعود پزشکیان بیان کرده، الزامی بودن تغییرات در دولت برای قرار گرفتن در راه صحیح قطعی بود و البته او در همان روزهایی که وزرای جدید در حال معارفه بودند، یک سیاست را در این زمینه اعلام کرده است. او پنجم شهریور در سخنرانی خود گفته است: «ما بنا نداریم همه مدیران کشور را با برچسب‌های مختلف تغییر دهیم، بلکه معیار ما شایسته‌گزینی براساس شاخص‌های تعیین‌شده است و طبیعتاً اگر مدیری در ارزیابی‌ها رتبه قابل قبولی کسب کرد، باقی خواهد ماند و مدیرانی که بدون تخصص و شایستگی منصوب شده‌اند، کنار گذاشته خواهند شد.»

در این میان اما سرعت‌کند تغییرات مدیران میانی باعث شده تا صدای اعتراض برخی از حامیان پزشک‌های هم‌درآمد و نمونه‌هایی از این اعتراض‌ها از پوسته‌های سیاست خارج شده و به صورت علنی بیان شود. برای مثال سعید شریعتی، عضو شورای مرکزی حزب اتحاد ملت ۱۹ شهریور گفته بود: «تغییر مدیران میانی در زیرمجموعه‌های دولت یک ضرورت است. به هر حال در دولت قبل مدیرانی حضور



معارف‌معاون سیاسی وزیر کشور



من اعتقاد دارم که همین موضوع آقای پزشک‌های را در لبه پرتگاه زوال زود هنگام مقبولیت در بین دوستان خودش قرار داد. زیرا اگر این گفت‌وگو وفاق ملی که ایشان شکل داده، منجر به پیشبرد سه‌گانه اصلاحی‌اش نشود، عملاً آن زمان همه اعتراضاتی که نسبت به عدم تغییر مدیران وجود داشت، با اعتراضات به ایشان نسبت به شکست سیاست وفاق یا شکست سیاست‌های اصلاحی همراه خواهد شد و این باعث افت شدید مقبولیت آقای پزشک‌های می‌شود. به عنوان یک مصداق، آقای پزشک‌های در گام اول فرصت داشت که یکسری اصلاحات را در داخل صورت دهد که اصلاحاتی به سمت آزادی‌های مدنی مردم باشد که به نظرم تا پایان مهر در این ارتباط وقت دارد که ببینیم وضعیت دانشگاه‌ها چطور خواهد شد و چقدر اساتید و دانشجویهای اخراجی و تعلیق شده به کلاس‌های درس برمی‌گردند. دومین گام را هم ایشان در نیویورک برداشته است. یعنی به‌رغم اینکه رسانه‌های تندرو در تلاش هستند گفت‌وگو جبهه پایداری را به رئیس‌جمهور تحمیل کنند، ولی می‌بینیم که افرادی که در انتخابات هوادار گفت‌وگو شدند زدایی بودند، الان به شدت مواضع خودشان را اعلام می‌کنند و آقای پزشک‌های باید تنش‌زدایی را از نیویورک آغاز کند. یعنی اگر ایشان از نیویورک دست خالی برگردد، عملاً باید گفت که ضلع دوم سیاست اصلاحی ایشان با نوعی ناکارآمدی جدی همراه خواهد شد. همچنین اینکه ببینیم آیا گلیم ایران را از دو جنگ اوکراین و خاورمیانه بیرون خواهد کشید یا خیر. برای ضلع سوم هم به نظرم این‌ماه زمانی خواهد بود که نوعی قضاوت شکل می‌گیرد؛ یعنی زمانی که عملاً مشخص خواهد شد رویکردهای اولین بودجه ارائه‌شده دولت آقای پزشک‌های چیست که این قسمت را من ملموس‌ترین بخش سه‌گانه اصلاحی می‌دانم. در این زمینه توجه به یک آمار جالب است. بودجه اسامال براساس فروش یک میلیون بشکه نفت در روز بسته شده است؛ در شرایطی که میانگین فروش شش‌ماهه اول سال یک میلیون و ۶۰۰ هزار بشکه نفت بوده است و ما می‌بینیم که

اعضای دولت آقای پزشک‌های به جای اینکه درباره ۶۰ درصد فروش مازاد بر بودجه صحبت کنند، از کسری‌های متعددی صحبت می‌کنند که بعضاً تا هزار همت مطرح می‌شود و معنای این



که تحت عنوان وفاق ملی شکل گرفته را برای خودشان توجیه می‌کنند. یکی از این افراد خود من هستم که در زمان انتخابات از گفت‌وگو حمایت کرد که در مقابل گفت‌وگو تندرو قرار داشت و هنوز هم از این کار راضی هستم. این شرایطی که تحت عنوان وفاق ملی شکل گرفت را برای خودم توجیه می‌کنم به این علت که شاید شرایطی را فراهم کند برای اینکه آقای پزشک‌های سه‌گانه اصلاحاتی خود را انجام دهد که این سه‌گانه عبارت بود از ۱- کاهش تنگناها و فشارها به آزادی‌ها در داخل، ۲- تنش‌زدایی خارجی و ۳- اصلاحات مردم‌محور اقتصادی. لذا من اعتقاد دارم اتفاقی که الان افتاده تبعی از تبعات آن سیاست است، یعنی شما نمی‌توانید انتظار داشته باشید افرادی که برای دو ستاد رقیب آقای پزشک‌های کار کرده‌اند، الان نیروهای نزدیک به پزشک‌های و حتی نزدیک به گفت‌وگو پزشک‌های را سر کار بیاورند و لذا بیشترین تعلل و کارشنکی در رأس دولت آقای پزشک‌های صورت می‌گیرد؛ به‌ویژه اینکه برخی از معاونان آقای پزشک‌های به‌رغم اینکه به گفت‌وگو پیروز تعلق داشتند، ولی برای حفظ و تحکیم جایگاه خودشان، عملاً با گفت‌وگو مدیریتی رقیب همراه شدند و لذا ما برای اولین بار در تاریخ انتخابات‌های ریاست‌جمهوری در ایران شاهد هستیم که در یک انتخاباتی، عقبه ستادی و گفت‌وگو طیف پیروز عملاً در پست‌های میانی اقلیت هستند و به‌ویژه اینکه مجموعه تحولاتی شکل گرفت که از همین موضوع برای تحمیل گفت‌وگو امنیتی به دولت استفاده شد و خواسته‌های تغییر مدیریتی را تحت الشعاع قرار داد. این اتفاقی است که شکل گرفته است.